

## تأملی و تفکری بر رشد شماره ۱۸، نوامبر ۲۰۰۷

### یافتن نفوس مستعد و تبلیغ مستقیم آنها

در توصیف برنامه فشرده رشد، بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ توضیح فرمودند که هدف از مرحله ترویج "توسعه دایره افراد علاقمند به امر الهی، یافتن نفوس مستعد و تبلیغ آنها است." ممکن است این سؤال مطرح شود که، "بهترین راه برای تبلیغ این نفوس چیست؟" در همان پاراگراف پیام مزبور به این سؤال جواب داده شده است: "تجربه نشان می‌دهد که هرچه شیوه تبلیغ با قابلیت‌های حاصله از مطالعه دوره‌های مؤسسه آموزشی انطباق بیشتری داشته باشد، نتیجه حاصله رضایت‌بخش‌تر خواهد بود."

هنگام مطالعه کتاب ششم روحی، "تبلیغ امرالله"، یاد می‌گیریم که بین بیان اطلاعات در مورد امر مبارک و انتقال مفاهیمی که به متحرّی کمک می‌کند به مقام حضرت بهاءالله پی ببرد و به امر مبارک اقبال کند، تفاوت و تمایز قائل شویم. روش تبلیغ که شرکت‌کنندگان سعی می‌کنند همانند آن عمل کنند روشی است که به طور معمول به "گفتگوی آنا" مشهور شده است. این مطلب به عنوان الگویی از نحوه تبلیغ مستقیم امرالله عرضه می‌شود که هدف از آن این است که در انتهای سخن از فرد دعوت شود در ظلّ امر مبارک در آید. احباء در سراسر جهان سعی کرده‌اند رویکردهای تبلیغی خود را با آنچه که در کتاب ششم یاد گرفته‌اند هماهنگ نمایند و نتایج چشمگیری را از این روش مستقیم تبلیغ ثبت کرده‌اند.

در رابطه با تبلیغ مستقیم باید چند کلامی گفته شود. حضرت ولی امرالله تبلیغ مستقیم را به عنوان "اظهار علنی و شجاعانه حقایق اساسیه امرالله" توصیف می‌فرمایند در حالی که تبلیغ غیر مستقیم به بیان مبارک، "روش غیر مستقیم و محتاطانه‌تر تبلیغ" است که "بیان بعضی از تعالیم انسان‌دوستانه و اجتماعی امر مبارک" را شامل می‌شود. بنابراین، تبلیغ مستقیم به روش تبلیغ و نه محل تبلیغ مربوط می‌شود. این عبارت با "تبلیغ خیابانی" که ممکن است شامل تبلیغ مستقیم باشد یا، فی‌المثل، صرفاً فعالیتی برای توزیع جزوات را در بر گیرد، مترادف نیست. ابلاغ مستقیم پیام ممکن است در بیت تبلیغی، ملاقات خانگی، یا سایر دیدارهای شخصی صورت گیرد. اما، غالباً وضعیت بدین صورت بوده که یاران از این فرصت‌ها برای ابلاغ مستقیم پیام حضرت بهاءالله استفاده نکرده و به رویکردی غیرمستقیم متوسل شده‌اند؛ آنها هرگز علناً درباره مقام و رسالت حضرت بهاءالله با متحرّیان صحبت نکرده و به این ترتیب به استعداد پذیرشی که بیت‌العدل اعظم وجود فعلی آن در جامعه عمومی بشری را به ما متذکر شده‌اند، عکس‌العملی نشان نداده‌اند.

این شماره از خبرنامه بر "نتایج ارزنده" ای متمرکز است که احباء با معطوف ساختن نقطه تمرکز خود بر تبلیغ مستقیم و به کار گرفتن مفاهیم فرا گرفته شده در دوره‌های مؤسسه کسب کرده‌اند. شدت میزان تسجیل نفوس از حدّ انتظارات آنها گذشته و موفقیت‌های حاصله اعتماد به نفس فزاینده‌ای به آنها بخشیده است. داستانها با عباراتی مؤثر و چشمگیر مؤید نقطه نظر حضرت ولی امرالله است که "هر فرد بهائی بالقوه مبلغ امرالله است."<sup>۱</sup>

\*\*\*\*\*

قدمی مهم در بذل مجهودات جهت تبلیغ مستقیم حصول آمادگی بوده است. گاهی اوقات احباء به اجرای تمرینات ساده ایفای نقش در مورد نزدیک شدن به سایر نفوس پرداخته‌اند، اما غالباً سعی کرده‌اند کلیه قسمت‌های گفتگوی تبلیغی در کتاب ششم را به حافظه بسپارند. مؤثرترین جلسات از این قبیل "بازآموزی

<sup>1</sup> Principles of Baha'i Administration, p. 23 / Baha'i Administration, p. 109

<sup>2</sup> Lights of Guidance, no. 2028

<sup>3</sup> Arouhani, Letters to New Zealand, p. 34 بدیع بیت‌العدل اعظم

**فقال " بوده - یعنی کارگاه‌های سه تا چهار ساعته مرور دروس و بعد از آن مبادرت به عمل، مانند فعالیت تبلیغ مستقیم در همان روز.**

در کشورهایی که از لحاظ تاریخی صحبت کردن صریح در مورد امر مبارک مشکل به نظر می‌رسیده، احبّاء در هنگام بیان تعالیم بهائی به نحوی سیستماتیک، از اشتیاق بسیاری از نفوس به شنیدن این تعالیم متحیر شده‌اند. این امر در مجموعه جغرافیایی --- تحقیق یافت؛ در این مجموعه، چهار تن از اعضاء هیأت معاونت کنفرانسی را برای مساعدین خود منعقد نمودند و یک روز را به برنامه ایجاد قابلیت برای اجرای تبلیغ مستقیم اختصاص دادند. در آن روز، صبح به بازآموزی مختصر "گفتگوی آنا" اختصاص یافت و بعد از ظهر ۲۷ تن از احبّاء، به یازده گروه تقسیم شدند و به ملاقات‌های خانگی مبادرت کردند. قبلاً با شرکت‌کنندگان غیربهائی در فعالیت‌های اساسی در --- و نقاط اطراف که موافقت کرده بودند برای ارائه اطلاعات بیشتر در مورد امر مبارک با آنها ملاقات شود، قرار دیدار گذاشته شده بود.

وقتی گروه‌ها شامگاه به کنفرانس مراجعت کردند تا تجارب خود را بیان کنند، روحی واقعاً تابناک یافته و روحیه آنها ارتقاء یافته بود. گروه‌ها یکی بعد از دیگری داستان‌های قابل توجهی تعریف کردند که چگونه اضطراب، درنگ، حتی اکراه عمیق از مبادرت به عمل، در موقع شروع و ادامه مکالمات تبلیغی، جای خود را به اعتماد به نفس بخشید. قبل از این پایان هفته متوجه قضیه نبودم. بعد، نگاهی به "گفتگوی آنا" انداختیم؛ با خود فکر کردم، "می فهممش!" و بعد عزیمت کردیم و بعد واقعاً "فهمیدم". زوج مزبور سؤالاتی را مطرح کردند و در پایان ایمان خود را اعلام نمودند. در حالی که مایل بودم به یک ملاقات خانگی دیگر دست بزنم، منزل آنها را ترک کردم.

این اولین ملاقات خانگی من با "گفتگوی آنا" بود. خیلی بی‌واسطه و مستقیم بود. آنا ابدأ حاشیه نمی‌رود - مستقیماً می‌رود سر اصل مطلب. به این علت است که قوی و مؤثر است. در گذشته شاید از امر مبارک مجموعه‌ای از آرمانها درست کرده و آنچه را که به آن معتقد بودم توضیح می‌دادم - اما بعد، بسیاری از سایر نفوس هم همین کار را می‌کردند. اما گفتگوی آنا از همان ابتدا درباره حضرت بهاءالله صحبت می‌کند. حیرت‌آور است. من آنا را دوست دارم. حتی اگر فکر کنی که قابلیتش را نداری و به فصاحت آنان صحبت نمی‌کنی، فقط به این جریان ایمان داشته باش - تأثیر خواهد گذاشت!

وقتی یاران تجربیات خود را بیان می‌کردند، جو حاکم بر جمع مسرت‌بخش‌تر و پرشورتر می‌شد. آنچه که معلوم گردید این بود که ترکیبی از ارتباطات روحانی با متحرّبان، میل صادقانه به ابلاغ پیام، و نیز توضیحات زیبا در گفتگو سبب شده بود ملاقات تبلیغی عمیق و مؤثری ایجاد گردد. از گزارش‌های آن شب، تأییدات سماوی و امدادات الهیّه محسوس و مشهود بود. معلوم شد که پنج تن از کسانی که ملاقات شدند، وقتی از آنها خواسته شد به امر مبارک اقبال کنند، ایمان آوردند.

ثمره دیگر مساعی آن روز که به همان درجه قابل توجه است جرأت و شهامت احبّاء در تبلیغ مستقیم امرالله است که فوق‌العاده افزوده شده است. این نکته نیز شگفت‌انگیز است که مشاهده می‌شود قابلیت تبلیغ مؤثر چقدر به سرعت قابل تقویت است. به مساعدین توصیه شد مهارت‌های جدیدی را که یافته‌اند به طور مداوم در صحنه عمل مورد استفاده قرار دهند و سایر احبّاء را همراهی کنند که به همین طریق عمل نمایند. نتیجه حاصله آن که در مجموعه‌های جغرافیایی که این مساعدین در آن سکونت دارند، به دیگران کمک کرده‌اند که این مهارت‌ها را کسب کنند، و درصد مسجّلین دو برابر شده است.

احبّاء در --- به این نتیجه رسیدند که نفوسی که جریان مؤسسه را هماهنگ می‌کنند باید با مبادرت به تبلیغ مستقیم با استفاده از "گفتگوی آنا" کسب تجربه و اعتماد به نفس نمایند. بنابراین برنامه کنفرانس ملی هماهنگ‌کننده‌ها مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفت تا فرصت‌هایی برای چهل شرکت‌کننده در نظر گرفته شود تا تبلیغ مستقیم را در حول و

حوش ---- عملی سازند. بعد از مرور مطالعات موضوعی در مورد گروه‌های تبلیغی و تعلیم بیش از سه ساعته بازآموزی در خصوص "گفتگوی آنا"، شرکت کنندگان کنفرانس آماده حرکت به میدان عمل شدند. به یمن ترتیباتی که توسط جوامع میزبان داده شده بود، آنها توانستند در ملاقات‌های خانگی با ۲۰ متحرّی دیدار کنند و در چندین بیت تبلیغی کاملاً سازمان یافته که متحرّیان را با شرکت کنندگان در کنفرانس انطباق می‌داد، حضور یابند؛ از آن جمله بود یک بیت تبلیغی با یکی از اجتای عرب‌زبان برای متحرّیان کشورهای اسلامی. اجتاء متوجّه شدند دعوت کردن متحرّیان به اقبال به امر مبارک آنقدر که فکر می‌کردند دشوار نیست. سه نفر اقبال کردند، معدودی از سایر افراد نیاز به وقت بیشتری داشتند تا در این مورد بیندیشند، و چهار متحرّی جدید موافقت کردند به حلقه مطالعه ملحق شوند.

شرکت کنندگان با تجارب حاصله در طی کنفرانس آخر هفته، درس‌های دیگری هم فرا گرفتند. آنها متوجّه شدند که، حتی با زمانی که به سؤالات اختصاص داده می‌شود، می‌توان "گفتگوی آنا" را در یک جلسه بیت تبلیغی پیاده کرد. هرچه گروه صمیمی‌تر باشد، تلاش مبذوله مؤثرتر خواهد بود. همچنین معلوم شد اگر نحوه بیان مطلب از قبل برنامه‌ریزی شود و گفتگو بین دو یا سه نفر از سخنگویان تقسیم شود، مفید و مؤثر خواهد بود. یاران دقت می‌کردند که در بیوت تبلیغی بین معاشرت‌های اتفاقی و گفتگوی تبلیغی تمایز واضحی وجود داشته باشد. متحرّیان خیلی تحت تأثیر فقراتی که از آثار مبارک نقل می‌شود قرار می‌گیرند. استفاده از وسائل بصری نیز مؤثر است.

شاید بهترین یادگیری آن بود که، وقتی در پایان گفتگوی تبلیغی از متحرّیان دعوت به عمل می‌آمد که در ظلّ امر مبارک در آیند یا به حلقه‌های مطالعه ملحق شوند، نه تعجب می‌کردند نه ناراحت می‌شدند. غالباً با این عبارت که "اگر بخواهید که بهائی شوید..." از آنها دعوت می‌شد.

-----  
ابتکار شجاعانه تبلیغی در طی چرخه جاری در مجموعه جغرافیایی ---- شامل مراجعه به منازل در مجاورت بنای مؤسسه، رویداد بزرگی در محله به شمار می‌رفت. موقعی که ۳۳ مورد از ۸۴ گفتگوی تبلیغی انجام شده در طی چهار روز اول مرحله دوهفته‌ای ترویج به جلب علاقه عمیق به امر مبارک منجر شد، دلهره اولیه از بین رفت. علاوه بر دعوت از نفوس به شرکت در جلسه شامگاهی معرفی امر در حظیره القدس، تعداد چشمگیری از مکالمات به ابلاغ کلمه میتنی بر مطالب کتاب ششم منجر گردید، که اعضاء گروه قبل از آن مدتی را صرف مطالعه و تمرین آن کرده بودند. یکی از اجتاء گزارش متأثرکننده‌ای را از تجربه گروه تبلیغی‌اش بیان کرد:

خداوند یار همراه من در برنامه تبلیغی دیروز بود. او و من برای اولین بار بعد از ۲۴ سال زندگی در ---- دریافتیم که نفوس مستعد در همه جا پیدا می‌شوند. نمی‌توانستم آمادگی و پذیرش مردم و آنگونه که اطلاعات را از ما می‌پذیرفتند باور کنم. وقتی از هم‌گروهی مشوّش و نگرانم خواستم در یکی از خانه‌ها را بگویم، به او گفتم، "این کار را به یاد شوهر فقیدت انجام بده." او این کار را کرد. از قضا زنی که در را باز کرد امر را می‌شناخت؛ او به خاطر آورد که با یکی از دوستانش در یکی از جلسات حضور یافته و آن را جالب و جاذب یافته بود. او میل داشت اطلاعات بیشتری به دست آورد و منتظر بود فرصت دیگری به دست آید تا بتواند دیگر بار شرکت کند. امشب به جلسه شامگاهی آمد.

-----  
معلوم شده که اگر ابتدا درباره تعلیم امر مبارک به شخصی گفته شود و سپس از وی دعوت شود که در فعالیت‌های امری حضور یابد معمولاً مؤثرتر از آن است که صرفاً از او دعوت شود. مشکل برای بسیاری از نفوس این است که مکالمه را چطور آغاز کنند. تعدادی از مبلغین در مجموعه جغرافیایی ---- نحوه مراجعه و صحبت با مبتدیانشان را بازگو کردند. این پیشنهادها از جلسه ارزیابی که ۱۶ تن از یاران بعد از شرکت در طرح تبلیغی داشتند، حاصل شده است. این تأملات و تفکرات برای حصول آمادگی جهت مرحله بعدی ترویج برنامه فشرده رشدشان ارزشمند بود.

- معمولاً در آغاز گفتگو با مبتدیان به این نکته اشاره می‌کردم که آنها یا من یا فرد بهائی دیگری را می‌شناسند یا درباره امر مبارک مطالبی را شنیده‌اند اما مایلم تعالیم الهی را به طور سیستماتیک به نحوی که هرگز قبلاً انجام نداده‌ایم برای آنها بیان کنم. هرگز کسی جواب منفی نداد.
- دریافتم که صحبت کردن درباره ماهیت انسان از بخش "زندگی و مرگ" کتاب اول و سؤال کردن از متحرّیان در خصوص این مفاهیم اصلی به نحو جالبی به بخشی منجر می‌شود که روح انسان برای پیشرفت و ترقی کامل نیاز به مرتبی الهی دارد. سپس این نکته به آسانی به موضوع میثاق ابدی در گفتگوی تبلیغی کتاب ششم ربط پیدا می‌کند. وقتی از این روش استفاده کردم، در مورد دوستان گوناگون با پیش‌زمینه‌های مختلف مؤثر واقع شد.
- با گروه شدن با افراد مختلف در امر تبلیغ راههای متعددی را برای برقرار تماس با مردم یاد گرفتم.
- روی هم رفته "گفتگوی آنا" برای مردم --- که با دین آشنایی دارند بسیار مناسب است. متوجه شدم، برای کسانی که از سرزمین اصلی تازه وارد شده‌اند، شروع صحبت با مقدمه‌ای در خصوص بلوغ نوع بشر و سپس پرداختن به دین و مظهر ظهور آسانتر است. سعی نکردم از "گفتگوی آنا" استفاده کنم ولی آن هم ممکن است مؤثر واقع شود. برای اهالی ---، تأکید بر حیات حضرت بهاءالله به نظر می‌رسید اهمیت اساسی داشته و اثربخش باشد.

در طی فعالیت فشرده تبلیغی، احبّاء در --- به اهمیت انعطاف‌پذیری، حکمت، همکاری گروهی، بردباری، متناسب ساختن گفتگو با نیازها و علائق شنوندگان پی بردند. آنها سؤالاتی را مطرح می‌کردند تا پی ببرند شنندگانشان عناوینی را که آنها بیان می‌کردند چگونه ملاحظه می‌کردند. یکی از مبلغین گفت، "متوجه شدم لزومی ندارد که کلیه مفاهیم در یک نشست مطرح گردد؛ به جای آن که در یک وهله مطالب زیادی مطرح شود، بهتر آن است که متحرّیان را مشتاق بیشتر دانستن نگه داریم." اگر مبلغ قادر نبود گفتگو را به پایان ببرد، فرصتی ایجاد می‌شد تا دیدار دیگری ترتیب داده شود یا از متحرّی دعوت شود برای کسب اطلاعات بیشتر در یکی از اجتماعات بهائی حضور یابد.

*یاران یاد می‌گیرند که از عناصر مهم برای حصول توفیق در اقدامات آنها برای تبلیغ مستقیم این است که در مورد مقام حضرت بهاءالله صریح باشند و نیز در خود اعتماد به نفس ایجاد کرده متحرّیان را به ورود در ظلّ امر مبارک دعوت کنند. این اقدام عبارت از امتیاز و خدمتی است که حضرت بهاءالله بنفسه المبارک ما را به آن فرا می‌خوانند، " ... انفس مستعدّه را به شطر احدیّه دعوت نمایند. شاید از کوثر رحمانی محروم نمانند."<sup>1</sup>*

گاهی اوقات خود متحرّیان به ما کمک می‌کنند متوجه شویم که مضمون اصلی گفتگوی ما باید مقام حضرت بهاءالله و پیام شفابخش حضرتشان باشد.

اینجا، در --- در بیستی تبلیغی بودم که دو تن از بهائیان در موقع استراحت برای صرف ناهار در محل کارشان در محوطه کشتی‌سازی، منعقد ساخته بودند. اقدامات تبلیغی زیادی که در گذشته در اینجا انجام شده مبتنی بر کتاب مقدّس بوده که بهائیان فقراتی از کتاب مقدّس را نقل می‌کردند تا ظهور حضرت بهاءالله را توضیح دهند و این بیت تبلیغی نیز همینطور شروع شد. جمعیت زیادی از کشتی‌سازان با قیافه‌های خشن دور تا دور نشسته بودند و به توضیحات این دو نفر گوش میدادند آنها در مورد توالی ظهورات الهیه گوش می‌دادند و فقراتی از کتاب مقدّس را در حمایت از آنچه که می‌گفتند می‌خواندند. چند سؤالی مطرح شد، اما شنوندگان سکوت اختیار کرده بودند تا آن که یک نفر (که از قضا هیکل‌مندترین و خشن‌ترین فرد در میان کشتی‌سازان بود) شروع به صحبت کرد. چون صحبت‌ها تماماً به زبان --- بود، فوراً متوجه نمی‌شدم چه اتفاقی می‌افتد و بعداً موقعی که کسی برایم ترجمه می‌کرد متوجه می‌شدم، اما چون همه شروع به خندیدن کردند و فرد بهائی اندکی شرمنده و دستپاچه شد، فکر کردم که مرد مزبور آنها را مسخره می‌کند. در واقع، مرد می‌گفت که آنها قبلاً همه چیز درباره کتاب مقدّس شنیده‌اند؛ وجودشان پر از

<sup>1</sup> مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص ۱۴۵

کتاب مقدس است. آنچه که واقعاً می‌خواهند از بهائیان بشنوند این است که بهاءالله که بود. در این موقع فرد بهائی دوباره شروع کرد به خواندن از روی کتاب مقدس که مرد مزبور مجدداً گفتار او را قطع کرد و گفت آنها به اندازه کافی درباره کتاب مقدس شنیده‌اند و می‌خواهند مطالبی درباره بهاءالله بشنوند. بنابراین بهائی دیگر قدم به میدان گذاشت و درباره رؤیای پدر حضرت بهاءالله در خصوص دریا و ماهی‌ها سخن گفت. او به کتابهای روحی نیز پرداخت و این که چگونه می‌توانید در مورد زندگی حضرت بهاءالله و تعالیم ایشان در کتابهای مزبور مطالب بیشتر فرا بگیرید. کشتی‌سازان ساکت نشسته و با دقت گوش می‌دادند و وقتی که سخن خانم بهائی تمام شد لبخند به لب از او تشکر کردند. مرد کشتی‌ساز گفت این دقیقاً همان مطلبی بود که میل داشت بشنود. او در مورد بهاءالله کنجکاو بود و میل داشت همه چیز را درباره او بداند بنابراین سؤالش این بود که آیا می‌تواند به دوره‌های روحی ملحق شود.

در مجموعه جغرافیایی ---، یک معلم مدرسه شروع به ابلاغ مستقیم امر مبارک به چند نفر از محصلینش نمود. قبلاً بخش‌هایی از کتاب اول را با بعضی از آنها در میان گذاشته بود. اما با کسب شهادت در اثر برنامه‌هایی در مجموعه جغرافیایی محل سکونتش برای فعالیت فشرده تبلیغی، مستقیم‌تر در مورد امر مبارک صحبت کرد و از آنها دعوت کرد در ظلّ امر مبارک وارد شوند. پنج نفر بلافاصله به امر الهی اقبال کردند. یک هفته بعد، وقتی این احتیای جدید دور هم جمع شدند که کتاب اول را مطالعه کنند، معلم با موضوع غیرمنتظره‌ای مواجه شد.

ساعت ۴ بعد از ظهر امروز، پنج مصدق جدید را در مدرسه جمع کردم. با کمال تعجب دیدم که بعضی از هم‌کلاسان آنها نیز به جلسه آمده‌اند. موقعی که شروع کردیم، به آنها گفتم که اگر واقعاً میل دارند در ظلّ امر مبارک در آیند، آنچه که ما انجام می‌دهیم اقبال به حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی برای این عصر و زمان، عمل به موجب تعالیم ایشان، و تبلیغ دیگران است. همچنین به آنها گفتم که اگر بهائی شوند، به معنای ترک حضرت مسیح و تعالیم ایشان نیست زیرا آنچه که حضرت مسیح فرموده در امر بهائی تحقق یافته است.

بعد از آن که صحبت کردیم، نه محصل کلاس سوم دبیرستان اسامی خود را به عنوان مقبلین جدید امر مبارک روی صفحه کاغذی نوشتند. اکنون، با پنج نفری که روز قبل تصدیق کرده بودند، ما دارای ۱۴ دانش‌آموز تازه تسجیل هستیم. قبلاً برنامه زمان‌بندی شده‌ای برای مطالعه کتاب اول تنظیم کرده‌ایم که بعد از ظهرها در دفتر من عملی می‌شود.

یک روز دیگر هنگام ظهر جلسه‌ای با حضور ۱۴ مؤمن جدید در دفترم برگزار شد. آنها سه نفر دیگر از هم‌کلاسانشان را با خود آوردند و، البته، بعضی از مفاهیم و اصول امر مبارک را با آنها بحث کردم. بعد از مدتی صحبت، این سه نفر نیز به امر مبارک اقبال کردند.

جدیدترین مرحله ترویج در پایتخت، --- شاهد ۳۲ تسجیل بود - یعنی افزایشی معادل شش برابر نسبت به موفق‌ترین دور پیشین. یاران این افزایش چشمگیر در احتیای جدید را به اقدام متهورانه‌تری که چندین گروه تبلیغی انجام داده‌اند، نسبت می‌دهند. مجموعاً در طی این فعالیت با ۱۶۰ نفر صحبت شد و ۳۱ نفر از کسانی که به امر حضرت بهاءالله اقبال کردند در زمره حدود ۵۰ نفری بودند که مبتنی بر کتاب ششم روحی به طور مستقیم درباره امر مبارک با آنها گفتگو شد.

یکی از احتیای که اخیراً تصدیق نموده، و قبلاً مسیحی بوده، داوطلب شد در طی مرحله ترویج به طور تمام وقت به تبلیغ امر مبارک بپردازد. این خانم مأموریت یافت به گروهی ملحق شود که توسط مدیر مؤسسه آموزشی هماهنگی شده بود و، با موافقت شوهرش در تمام مدت یک هفته ترویج به منزل خانواده مدیر مؤسسه نقل مکان کرد. این خانم، با آن که ابتدا احساس می‌کرد ابدأ کفایت لازم را برای تبلیغ امر مبارک ندارد، اما ثابت کرد که منشأ تشویق و مسرت برای کلیه اعضا گروهش است.

این خانم به اطلاع سایر اعضاء گروهش نیز رساند که با اشتیاق تمام مشغول دعا بوده که همسرش به مقام حضرت بهاءالله پی ببرد. در طی مرحله ترویج، همسایگان بهائی با این مرد ملاقات کردند، که سبب آشنایی او با امر مبارک و علاقه‌اش به ادعیه بهائی شد. با استفاده از آلبوم تبلیغی، گفتگوی سیستماتیک در مورد امر مبارک با او به عمل آمد. در پایان این ملاقات او آماده شد کارت تسجیلی را که به او داده شده بود امضاء کند و قبل از مراجعت همسرش این کار را کرد. او سی و دومین کسی بود که در این فعالیت تبلیغی به امر مبارک اقبال کرد. وقتی همسرش بعد از مراسم برگزار شده در حظیرةالقدس ملی به منزل برگشت، مرد به او گفت: "من اکنون بهائی هستم."

سالها قبل که احباء با شور و شوق به تبلیغ پرداختند و هزاران نفس مستعد تسجیل شدند، مجموعه جغرافیایی --- شاهد دخول افواج مقبلین بود. اما، دشواری‌ها در تحکیم این احباء بسیاری از آنها را از مبادرت به تبلیغ آنگونه که از قبل بدان مشغول بودند، دلسرد نمود. خوشبختانه یکی از جوانان پرشور که منشأ اشتیاق برای آنها بود از --- وارد شد. او با تسهیل کننده توسعه مجموعه در ایجاد قابلیت برای مراحل ترویج و تحکیم از نزدیک همکاری کرده بود. گروه اصلی متشکل از ۳۵ نفر از احباء دیگران را به کار گرفتند تا ۱۳ گروه را به وجود آورند و سپس اسامی مبتدیانی را که استعداد و پذیرش از خود نشان داده بودند فهرست کردند. بهائیان تصمیم گرفتند به تبلیغ مستقیم دست بزنند و به جای آن که طبق معمول که افراد را به شرکت در فعالیت‌های اساسی دعوت می‌کردند، این افراد را به ورود در ظل امر مبارک فرا بخوانند. گروه‌ها برای شروع مکالمات هدفمند جهت بیان هدف خود از این دیدار از طرق گوناگون استفاده نمودند. سپس از آلبوم نمودارها برای بیان قسمت اول از "گفتگوی آنا" استفاده کردند زیرا متوجه شده بودند که مدت‌زمان توجه اکثر افراد حدود ۲۰ دقیقه است. بعد از بیان موضوعی چون خدا، عهد و میثاق، مظاهر ظهور الهی، و حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور این عصر و زمان، از متحریمان سؤال کردند که آیا مایلند عضو جامعه بشوند و تعالیم حضرت بهاءالله را به دیگران ابلاغ کنند. با استفاده از این نحوه عمل، ۱۰۶ نفر به امر مبارک اقبال کردند. این تجربه نیز در گزارش مزبور ذکر شده است:

وقتی افراد اقبال خویش به حضرت بهاءالله را اعلام و تمایل خود به پیوستن به بهائیان در بنای جهانی بهتر را اظهار نمودند، اکثر گروه‌ها شاهد نور شادمانی و سرزندگی در چشمان آنها شده بودند که انعکاسی از بارقه ایمان موجود در قلوبشان بود.

یکی از گروه‌های تبلیغی با والد یکی از شرکت کنندگان در گروه نوجوانان ملاقات کرد. والد مزبور آنها را متوقف ساخت و، با هیجان و بی‌قراری گفت:

چرا این تعالیم عالی را قبلاً برای من بیان نکردید؟ ما شاهد تغییرات در فرزندان بودیم و دعاها و آثار مبارکه را از او یاد گرفتیم. چگونه می‌توانیم بیشتر بدانیم و مانند شما خدمت کنیم؟

---

تحت توجهات دارالتبلیغ بین‌المللی برای مؤسسه مشاورین تهیه شده است. گزیده‌هایی از گزارش‌ها را می‌توان از لحاظ دستور زبان، وضوح، یا درازا مورد ویرایش قرار داد. تمام یا بخش‌هایی از این نشریه را می‌توان بدون اخذ اجازه از دارالتبلیغ بین‌المللی تکثیر یا داخل جامعه بهائی توزیع نمود.